

عنوان مقاله:

نمود عشق در اندیشه و اشعار مولانا جلال الدین بلخی رومی

محل انتشار:

دومین کنگره بین المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی و اسلامی (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

نویسندگان:

مجیب الرحمن دهانی - ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی، سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

محمد اکبر سپاهی - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ولایت ایرانشهر ایران

خلاصه مقاله:

عشق به همراه عناصر تجلی بخشش، اکسیر حیات است و دلیل بودن؛ و اگر عشق نبود، هیچ نبود. این معنا در جهان بینی عرفانی که آثار مولانا نمونه های درخشان آن است، عمیق تر و لطیف تر بیان می شود. عرفا بر این باورند که ذات باری تعالی اصل همه محبت ها است و از ذات اوست که محبت در همه پدیده های آفرینش جاری و ساری می شود. عشق، راز آفرینش و لذت حیات و شالوده تصوف و اساس کارهای بنیادین درعالم و پایه ی شور و شوق و وجد و نهایت حال عارف است که با رسیدن به کمال، به فنا در ذات معشوق و وحدت عشق و عاشق و معشوق منتهی می شود عشق امانت الهی است که در وجود انسان نهادینه شده و با ذات و فطرت وی سرشته گشته و انسان همواره به دنبال معبود و معشوق حقیقی بوده است. هدف از پژوهش حاضر بیان جایگاه عشق در اشعار مولانا جلال دین بوده است. روش تحقیق بصورت توصیفی و تحلیلی می باشد و ابزار گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه ای و استفاده از تجارب افراد ذی صلاح در این رشته می باشد. نتایج تحقیق نشان داد که مولوی جلال الدین بلخی روی عشق را عنصر حیات بخش و پایه و اساس آفرینش است و بدون عشق هستی معنا پیدا نمی کند

کلمات کلیدی:

عشق ، مولانا ، عاشق ، معشوق

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1118210>

